



به منظور رشد تجارت و اقتصاد هموطنان عزیز، عزیزی بانک افتخار دارد تا قروض متوسط خویش را با مبلغ 100000 - 500000 دالر امریکایی، پیشکش نماید. هموطنان عزیز میتوانند از مزایای قرضه مذکور با شرایط سهل مستفید شوند.



www.azizibank.af

1515



۱۲۴۲ ■ چهارشنبه | ۲۰ دلو ۱۳۹۵ | سال ششم

1242 ■ WEDNESDAY | 08 FEBRUARY 2017 | YEAR 06

یادداشت‌روز

مقصر کیست؟

یک روز پس اعلام رقم تلفات شهروندان غیرنظامی از سوی نمایندگی سازمان ملل متحد در یک سال گذشته، دیروز باری دیگر دست‌کم ۲۰ شهروند دیگر در انفجاری در مقابل ساختمان دادگاه عالی جان باختند و تاکنون دست‌کم ۴۱ تن زخمی شده‌اند. این سومین حمله انتحاری خونین در دو ماه اخیر در پایتخت است. به این ترتیب، در وهله اول تردیدی باقی نمی‌ماند که سال جاری میلادی نیز سال مرگباری برای مردم است. اما در کنار این مسأله، همواره پس از هر حمله خونینی بسیاری از ما به دنبال مقصر آن می‌گردیم. به صورت خاص، تنها چند ساعت پس از حمله انتحاری در برابر ساختمان دادگاه عالی و پس از انتشار اعلامیه ریاست‌جمهوری در تقبیح این حمله، دو صف در برابر هم قرار می‌گیرند: گروهی که مقصر درجه‌اول این حادثه را به دوش حکومت می‌اندازد و گروه دیگری که نهادهای توجیه‌کننده، دستوردهنده و حامی تروریسم را عامل مرگ شهروندان می‌دانند. در مورد حمله به دادگاه عالی به نظر می‌رسد دو نکته قابل تأمل است.

اول؛ بی‌هیچ تردیدی گروه‌های تروریستی عامل این فاجعه خونین‌اند. حمله انتحاری از تکنیک‌های رایج گروه‌های تروریستی است و نیروهای استشهادی خطرناک‌ترین اهرم فشار این گروه‌هاست که در خدمت منافع‌شان به کار گرفته می‌شوند. از طرفی دیگر، انتقاد از آن‌ها گرچه ناموجه نیست...

ادامه در صفحه ۲

حمله بر دادگاه عالی ۲۰ تن شهید و ۴۵ نفر زخمی شدند

صفحه ۲



آماده برای صلح؟ طالبان افغان پس از یک دهه جنگ

قسمت دوم و پایانی

روحیه نیروهای طالبان طالبان افغان، پس از یک دوره کوتاهی آرامش نسبی...

صفحه ۴

ولایت خراسان دولت اسلامی؛ دو سال پس از ظهورش

سال ۲۰۱۴ برای افغانستان سال نویدها بود. گفت‌وگوهای صلح بین طالبان و پاکستان در جریان بود، ائتلاف به‌رهبری ایالات متحده به مأموریت جنگی رسمی‌اش در اواخر این سال پایان داد و این کشور اولین انتقال دیپلماتیک قدرت را تجربه کرد. هرچند روند حکومت‌سازی پر هرج‌ومرج و دنباله‌دار بود، یک حس خوش‌بینی در داخل و در جامعه جهانی در مورد آینده این کشور وجود داشت...

صفحه ۳

سریعترین اینترنت 3.75G+ بهترین قیمت

800 افغانی در صفحه پیام 7GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	7 جی بی	250 افغانی در صفحه پیام 1GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	1 جی بی
1100 افغانی در صفحه پیام 10GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	10 جی بی	400 افغانی در صفحه پیام 3GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	3 جی بی
1800 افغانی در صفحه پیام 16GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	16 جی بی	600 افغانی در صفحه پیام 5GB نوشته و به 151 ارسال نمایید	5 جی بی

مدت اعتبار هر بسته 30 روز میباشد.

Google



افغانیات بیسیم
AFGHAN WIRELESS

HD VOICE



@myawcc

www.afghan-wireless.com

152
(24 HRS)

ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

اما به این دلیل که متضمن هیچ نتیجه‌ی نمی‌باشد، جایی برای طرح دوباره نیز ندارد. گروه‌های تروریستی عملاً در جنگ با دولت قرار دارند. آن‌ها نشان داده‌اند که برای ضربه زدن به دولت و مردمی که از آن حمایت می‌کنند، از انجام هر نوع رفتار وحشیانه‌ی دریغ نمی‌ورزند. از این‌رو، صورت ساده‌ی این مسأله این است که باید قبول کنیم تروریست‌ها در کار جاری کردن رود خون و گرفتن جان شهروندان‌اند و تا کنون از آن‌ها به خانواده‌های افغان هرچه رسیده، غیر از رنج و درد و اندوه نبوده است. آن‌ها نیز انکار نمی‌کنند. در نتیجه باید به این مسأله فکر کنیم که چرا آن‌ها قادر اند به ما ضربه بزنند؟ آن‌ها توانایی به غم نشان دادن خانواده‌های شهروندان را از کجا به‌دست می‌آورند؟

دوم؛ به نظر می‌رسد آنچه که به ما مربوط می‌شود، از همین‌جا شروع می‌شود: پس از ختم حمله‌ی انتحاری و پس از آن‌که می‌بینیم بسیاری از شهروندان در وحشت فرو رفته‌اند. ساختمان دادگاه عالی در یکی از مناطقی قرار دارد که شدیداً از سوی مأموران امنیتی محافظت می‌شود. چهارراهی مسعود، برخی نهادهای مربوط به امنیت ملی، سفارت ایالات متحده‌ی آمریکا، سفارت‌خانه‌های بریتانیا، ایران، فرانسه و برخی از دفاتر مهم دولتی در همین مسیر قرار دارند. محلی که انفجار در آن رخ داده، از مناطق مهم سیاسی و امنیتی است و از این‌رو، جایی در قلب پایتخت که بیش از هر نقطه‌ی این کشور و بیش از شهر کابل، در کنترل حصارهای امنیتی است. پرسیدنی است که چه‌طور مهاجم انتحاری در حالی که جلیقه‌ی بمب‌گذاری شده‌اش را به همراه دارد، می‌تواند اولاً وارد کابل شود؟ و سپس چندین محل را پشت سر بگذارد و به مهم‌ترین بخش پایتخت که نهادهای مهم دیپلماتیک و امنیتی و ساختمان‌های دولتی در آن قرار دارند، وارد شود؟

به نظر می‌رسد حکومت برای تأمین امنیت کارمندان و نهادهایش، به بلند کردن دیوارهای امنیتی اکتفا کرده است. از اطراف دارالامان اگر در نظر بگیریم تا ریاست‌های امنیت ملی، وزارت‌خانه‌ها و نهادهای مستقل، و حتا دفاتر شخصی برخی از وکلا و مقامات دولتی، همه با حصارهای امنیتی پوشانده شده‌اند. در پشت آن حصارها مأموران مسلح نشسته‌اند. معنای دیگر چنین اقدامی این است که آن‌ها حداکثر کاری کرده‌اند که مانع ورود مستقیم مهاجمان انتحاری به دفاتر و محلات کاری‌شان شوند یا دست‌کم فرصت دفاع از خود را داشته باشند. این وضعیت اولاً نشان می‌دهد که حتا سران حکومت نیز به نیروهای امنیتی اعتماد چندانی ندارند. این بی‌اعتمادی از کجا می‌آید و چه‌کسی مسئول رسیدگی به آن است؟ غیر از این است که رییس‌جمهور و تمامی اعضای کابینه‌اش مسئول‌اند تا خلای عدم اعتماد را پر کنند؟

حکومت به یک معنا مسئول این فاجعه است، زیرا نه بر بی‌اعتمادی اش غلبه می‌کند و نه اقدامی برای پر کردن خلاءهای امنیتی. از نظر کمی و کیفی، نهادهای امنیتی قادر به کنترل و تأمین امنیت پایتخت هستند. اما مجموع این حملات نشان می‌دهد که نوعی سهل‌انگاری جدی یا حتا «خیانت» در انجام وظیفه، وقوع حملات انتحاری را مقدور می‌سازد. مردم انتظار دارند که در چنین وضعیتی، رییس‌جمهور به‌صورت جدی دستور بررسی این حمله را بدهد و سپس نقاط ضعف و خلاءهای امنیتی را شناسایی و برای رفع آن اقدام کند. به‌صورت قانونی، وقتی خون شهروندان چه دولتی یا غیر دولتی، ریخته می‌شود، مسئولان امنیتی مکلف‌اند که در برابر آن و سیلی از انتقادات و پرسش‌ها، پاسخگو باشند.

حمله بر دادگاه عالی ۲۰ تن شهید و ۴۵ نفر زخمی شدند

اعضای این گروه ادامه بدهند، مهاجمان آن‌ها بازم به دادگاه‌ها حمله خواهند کرد.

ارگ: حمله‌ی تروریستی عصر سه‌شنبه یک جنایت ضدبشری است

پس از وقوع این رویداد، ارگ ریاست‌جمهوری با نشر اعلامیه‌ی این حمله را محکوم کرده و آنرا یک جنایت ضدبشری و عمل نابخشودنی خواند.

در این اعلامیه آمده است که «رییس‌جمهور کشور ضمن محکوم نمودن شدید این عمل وحشیانه گفت که دشمنان مردم افغانستان یکبار دیگر با انجام این‌گونه حملات تروریستی، دشمنی‌شان را با مردم ما نشان دادند.»

این حمله درحالی صورت می‌گیرد که ماه گذشته دو بمب‌گذار انتحاری به ساختمان اداری پارلمان، واقع در سرک دارالامان، حمله کردند. در این رویداد ۳۰ نفر کشته و ۸۰ نفر زخمی شدند. حمله بر کارمندان دادگاه عالی یک روز پس از آن به وقوع می‌پیوندد که روز دوشنبه سازمان ملل متحد با نشر گزارشی اعلام کرد که میزان تلفات افراد ملکی در سال ۲۰۱۶ میلادی به بالاترین سطح خود رسیده است.

طلب ۳,۵ میلیاردی برشا؛ ۵۴ اداره‌ی دولتی پول برق نداده‌اند

فهرست مقروضین را نهایی سازد و وزارت مالیه نیز مسئولیت دارد تا ۵۰ درصد این پول را از طریق بودجه‌ی اداره‌ی مقروض و ۵۰ درصد دیگر را خود برای شرکت برشا پرداخت نماید. در همین حال مصطفی مستور، معین مالی و اداری وزارت مالیه گفته است که وزارت مالیه بودجه‌ی انرژی برق وزارت‌خانه‌ها و ادارات دولتی را براساس مصارف سال گذشته‌ی آن‌ها می‌سنجد و مبلغ لازم را تعیین می‌کند. او گفته است که شرکت برشا در هماهنگی با وزارت‌خانه‌ها و سایر ادارات دولتی صرفه‌جویی و پرداخت به‌موقع پول برق را جدی بگیرند و در صورت عدم پرداخت صرفیه، برق آن اداره را قطع نماید.

در اواخر ماه میزان امسال نیز این شرکت فهرستی از بدهکارانش را منتشر کرد که نشان می‌داد شماری از نهادهای دولتی، مقام‌های ارشد دولتی، نمایندگان مجلس و افراد زورمند در شهر کابل میلیاردها افغانی هزینه‌ی برق خود را پرداخت نکرده‌اند.

در این فهرست نام ۲۰۹۹ فرد در کابل ذکر شده بود که حدود سه میلیارد افغانی از شرکت برشا بدهکار بودند. از این میان ۷۳ تن از مقام‌های ارشد دولتی، نمایندگان مجلس و افراد زورمند بودند که بیش از ۱۰۰ هزار افغانی بدهکاری مصارف برق خود را در چندین دوره پرداخت نکرده بودند.

یک سازمان حامی کودکان: از دست دادن ۳ کودک در روز تکان دهنده است

او تأکید کرده است که از دست دادن ۳ کودک در روز به دلیل جنگ، به هیچ‌وجه قابل قبول نیست.

او از طرف‌های درگیر جنگ در افغانستان خواسته که با تمام توان، به هر قیمتی و تحت هر شرایطی باید در راستای حفاظت از کودکان تلاش کنند.

براساس گزارش یوناما، در سال ۲۰۱۶ میلادی ۹۲۳ کودک از آغاز ماه جنوری تا پایان دسامبر کشته و نزدیک به دو هزار و ۶۰۰ کودک دیگر زخمی شده‌اند. ۳۰ درصد کل تلفات غیرنظامیان سال ۲۰۱۶ را کودکان تشکیل می‌دهند.

آنا لکسین گفته است افغانستان با داشتن ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر نیازمند کمک بشردوستانه، با «بحران انسانی» مواجه است و در ۱۲ ماه گذشته وضعیت در این کشور «به صورت قابل توجهی بدتر شده است.»

اطلاعات روز: مقام‌ها در کابل می‌گویند که حمله‌ی انتحاری در توقف‌گاه موترهای دادگاه عالی ۲۰ شهید و ۴۵ زخمی برجای گذاشته است. این حمله پس از چاشت روز سه‌شنبه هنگامی رخ داد که کارمندان دادگاه عالی در حال رفتن به خانه‌های‌شان بودند.

به نقل از رسانه‌ها، وزارت صحت عامه گفته است که در این رویداد ۲۰ تن جان باخته و ۴۵ تن دیگر زخمی شده‌اند.

بر بنیاد گزارش پولیس، حمله‌کننده‌ی انتحاری مواد منفجره را بر بدنش جاسازی کرده بود و هنگام بیرون شدن کارمندان دادگاه عالی خود را در جلو دروازه‌ی این دادگاه منفجر کرد.

دادگاه عالی واقع در حوزه‌ی نهم امنیتی پولیس در نزدیکی سفارت ایالات متحده‌ی آمریکا و سرک میدان هوایی بین‌المللی کابل قرار دارد. تاکنون فرد یا گروهی مسئولیت این حمله را بر عهده نگرفته است. اما در گذشته گروه طالبان دادگاه عالی را هدف قرار داده است.

در سال ۲۰۱۳ در حمله‌ی گروه طالبان به در ورودی دادگاه عالی ۱۵ غیرنظامی کشته و ۳۷ تن دیگر زخمی شدند. این گروه آن زمان هشدار داده بود که اگر دادگاه‌های افغانستان به محاکمه‌ی

اطلاعات روز: قدرت‌الله دلاوری، رییس شرکت برشا می‌گوید ۵۴ اداره‌ی دولتی به‌شمول وزارت‌خانه‌ها، ریاست‌های مستقل و تصدی‌های دولتی ۳,۵ میلیارد افغانی از شرکت برشا قرضدار هستند.

آقای دلاوری به روز سه‌شنبه در نشستی که در ریاست اجراییه برگزار شده بود، گفته است که این ادارات از چندین سال تاکنون قرضداری‌های‌شان را تصفیه نکرده‌اند.

ریاست اجراییه با نشر خبرنامه‌ی به نقل از آقای دلاوری نوشته است که این ادارات از ۵۰ میلیون تا ۱,۲ میلیارد افغانی قرضدار می‌باشند. او گفته است: «بر اساس تصمیم مشترک با وزارت مالیه، شرکت برشا تلاش کرد تا از مسئولان ادارات دولتی درباره‌ی مبلغ مشخص باقی‌داری تصدیق بگیرد، اما متأسفانه مشکل لاینحل باقی مانده است.»

عبدالله عبدالله، رییس اجراییه در این نشست به وزارت مالیه و سایر نهادهای دولتی هدایت داده است که پول برق شرکت برشا را تصفیه نمایند.

او گفته است وزارت مالیه در سال‌های آینده مسئولیت دارد که بودجه‌ی انرژی برق را براساس نیازمندی وزارت‌خانه‌ها و ادارات دولتی در نظر بگیرد تا از مشکل پیش‌آمده در آینده جلوگیری شود.

آقای عبدالله به شرکت برشا گفته است که

روسیه حکومت را در دومین دور گفت‌وگوها درباره‌ی افغانستان دعوت کرد

اطلاعات روز: سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه‌ی روسیه در دیدار با صلاح‌الدین ربانی، سرپرست وزارت خارجه‌ی کشور گفته است که روسیه حکومت افغانستان را برای شرکت در دومین دور گفت‌وگوها درباره‌ی افغانستان، دعوت کرده است.

او گفته است که در این دور از گفت‌وگوها که قرار است تا چند روز آینده برگزار شود، علاوه بر افغانستان، ایران و هند نیز حضور خواهند داشت.

افغانستان در دور نخست این گفت‌وگوها دعوت نشده شود و این نشست بدون حضور افغانستان با حضور نمایندگان روسیه، چین و پاکستان در مسکو برگزار شد.

وزیر خارجه‌ی روسیه به روز سه‌شنبه، ۱۹ دلو در دیدار با آقای ربانی با تأکید بر افزایش تلاش‌های کشورهای منطقه برای تأمین صلح در افغانستان، گفته است که گفت‌وگوها با طالبان باید بر بنیاد قطع‌نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل انجام شود.

او گفته است: «ما از تلاش‌های رهبری افغانستان برای باثبات ساختن وضعیت در این کشور و در راستای مبارزه با هراس‌افگنی پشتیبانی می‌کنیم.» سرپرست وزارت خارجه‌ی افغانستان نیز گفته است که برای پایان یافتن خشونت‌ها در افغانستان، نیاز است تا کشورهای حامی هراس‌افگنی از حمایت دست بردارند و نباید کسی به هراس‌افگان لانه بدهند.

در خبرنامه‌ی که وزارت خارجه منتشر کرده به نقل از آقای ربانی آمده است که تروریسم و مواد مخدر نگرانی و تهدید مشترک برای افغانستان و روسیه و چالش مشترک برای منطقه و جهان است.

براساس این خبرنامه، صلاح‌الدین ربانی حمایت دو کشور از همدیگر در مجامع و سازمان‌های منطقه‌ی و بین‌المللی را قابل قدر دانسته و از روسیه خواسته است تا از درخواست افغانستان برای عضویت کامل در سازمان همکاری‌های شانگهای حمایت کند.

وزیر خارجه‌ی روسیه نیز گفته است که روسیه بر حمایت خویش از مساعی دولت افغانستان در راستای مبارزه با تروریسم و مواد مخدر و روند صلح به رهبری افغانستان و درخواست برای عضویت کامل در سازمان همکاری‌های شانگهای ادامه خواهد داد.

ربانی در این نشست از نیاز افغانستان برای خریداری هلیکوپتر از روسیه و ادامه همکاری روسیه در ترمیم هلیکوپترهای نیروهای هوایی افغانستان، ضرورت گسترش همکاری‌های اقتصادی و تجارتي افغانستان و روسیه و ایجاد سهولت بیشتر در صدور ویزای روسیه برای تاجر افغان یاد کرده است.

آقای ربانی درحالی از روسیه دیدن می‌کند که روابط کابل و مسکو در دوره‌ی حکومت وحدت ملی چندان نزدیک نبوده است.

ولسوال خاک سفید ولایت فراه کشته شد

اطلاعات روز: عبدالخالق نورزی، ولسوال ولسوالی خاک سفید ولایت فراه صبح روز سه‌شنبه پس از ادای نماز صبح در نتیجه‌ی یک انفجار مابین در قریه‌ی چهارباغ کشته شد.

اقبال باهر، سخن‌گوی پولیس فراه گفته است که افراد طالبان یک ماین را که از راه دور کنترل می‌شد، در مقابل خانه‌ی ولسوال خاک سفید جاسازی کرده بودند که هنگام ورود آقای نورزی به خانه‌اش، انفجار داده شد.

در همین حال یونس رسولی، معاون والی فراه به رسانه‌ها گفته است که این ماین هنگام بیرون شدن ولسوال خاک سفید از خانه، هنگامی که می‌خواست به سمت مسجد برود، انفجار داده شده است.

قاری یوسف احمدی که خود را سخنگوی طالبان معرفی می‌کند، در خبرنامه‌ی گفته است که ولسوال خاک افغان ولایت فراه صبح روز سه‌شنبه در نتیجه‌ی یک ماین تعبیه شده کشته شده است.

عبدالخالق نورزی از هفت سال به این طرف ولسوال خاک سفید بود.

خبرنگار ناراضه

تقیح کونکی‌ها

در سلسله‌ی حملات انتحاری تروریستان و تقبیح‌های انفجاری وروریستان، دیروز قلب دادگاه عالی کشور خونین، داغ‌دار، تکه‌تکه، پارچه‌پارچه و شهید شد. طبق معمول، کشته‌ها و زخمی‌های این حادثه به شفاخانه‌ها توزیع شدند. مقامات بلندپایه‌ی دولتی نیز یکی پس از دیگری، این حمله را تقبیح کردند. اما آیا خبر دارید که متن تقبیح‌های مقامات در پایان به رای‌گیری گذاشته می‌شود و کارشناسان عرصه‌ی تقبیح، آن‌را از بهترین تقبیح تا بدترین تقبیح درجه‌بندی می‌کنند؟

پروسه این‌گونه است: انفجار می‌شود. بعداً که معلوم شد چند کشته و چند زخمی برجای مانده، مقامات شروع به تقبیح می‌کنند. کارشناسان تقبیح در گوشه‌ی جمع می‌شوند و مقامات حکومتی را به نام «تقبیح کونکی‌ها» یاد می‌کنند. سپس تقبیح‌نامه‌ی مقامات را کنار هم قرار می‌دهند. از میان آن‌ها، بهترین و بدترین تقبیح را انتخاب کرده و به حکومت تقدیم می‌کنند. گفته می‌شود که هیچ تعصب قومی-مذهبی-سمتی-لسانی اعمال نمی‌شود. حالا این شما و این جملات تقبیحی‌های مقامات و در آخر نتیجه‌گیری.

رئیس‌جمهور: تروریستان یک بار دیگر ثابت ساختند که دین مبین اسلام را هیچ نمی‌فهمند. من برای آن‌ها تقبیح طویل، برای شهیدان بهشت جلیل، برای زخمی‌های شفای عاجل و برای بازمانده‌ها، صبر ثقیل از دربار آن متعال بی‌بدیل خواهانم.

رئیس اجرائیه: دشمنان برف‌کوچ دل که در اصل هیچ رحم ندارند و در قدرت هیچ سهم ندارند و از اسلام عزیز هیچ فهم ندارند، این بار بر دادگاه عالی انتحار کردند. خداوند آن‌ها را به ذلت، شهیدان را به مغفرت، زمین را به صحت، بازمانده‌ها را به طاقت و مردم شریف افغانستان را انشاءالله به فرصت گرفتار کند.

وزیر داخله: تروریستان دشمنان قسم‌خورده‌ی افغانستان‌اند، متأسفانه آن‌ها بسیار خون‌گرم دارند، از زندگی شرم دارند و خوب می‌فهمند که مقامات افغانستان دل نرم دارند، بناءً یک‌صدونودسه مرتبه به این دشمنان لعنت باد که ستره‌محکمه را زدند. سوال من از این تروریستان این است که شما از خود مادر ندارید، برادر ندارید، خواهر ندارید؟

وزیر دفاع: متأسفانه یک بار دیگر انتحار، شهید شدند بیست نفر بسیار، زخمی در حدود پنجاه‌وچهار، ماردم عزیز داغ‌دار و من باهم قهر شدم سر سکرتر خود که زود تلفن مه بیار و به رئیس‌جمهور زنگ زد که ابراز تأسف بی‌شمار خدمت رئیس صاحب‌جمهور.

رئیس امنیت ملی: دشمنان بنگی با دل‌های سنگی، نه شرمی نه ننگی، تو بیست‌وچهار ساعت با مردم افغانستان در جنگی! السلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته. بعداً تقاضای ما از رئیس صاحب‌جمهور این است که این جمعه را نه، جمعه‌ی بعدی را برای قربانیان ستره‌محکمه، فاتحه‌ی ملی اعلام کند. چرا که این جمعه را تقدیم ارواح شهیدان برف‌کوچ کرده‌است. ما یقین داریم که ملت افغانستان مثل کوه از کنار این حمله‌ی متجاوزانه عبور خواهند کرد. روح شهیدان شاد، تن زخمی‌ها آبد، خانه‌ی تروریستان بادباد باداها راستی، برای بازماندگان هم دعا می‌کنم که به این زودی‌ها، نوبت‌شان نرسد.

پارلمان: ما با اکثریت آراء برادران و خواهران این حمله‌ی انتحاری را، محکوم می‌کنیم. ما تعهد می‌کنیم که تروریستان را از مملکت گم می‌کنیم. هدف ما از این کار منافع شخصی نیست، بلکه برای مردم می‌کنیم. ما این وطن را خرمن‌گاه گندم می‌کنیم و هر بچه‌ی وطن را به جان دشمنان افغانستان می‌کندیم.

مجلس سنا: تروریست به کسی گفته می‌شود که تروریست باشد. اگر یک انسان که فرق نمی‌کند از کجای دنیا باشد، وقتی به افغانستان می‌آید و حمله‌ی انتحاری می‌کند، بد می‌کند. پدر خود را نالد می‌کند. گه می‌خورد، به حجم بسیار انبوه می‌خورد. بی‌شرف هستند، ناخلف هستند. لعنت خداوند منان و نفرین مجلس سنان شامل حال‌شان باد.

کمیسیون حقوق بشر: تحقیقات ما جریان دارد که این یک جنایت بشری است یا یک خصومت شخصی. در هر صورت، ما فعلاً محکوم می‌کنیم.

یوناما: ما نگران بودیم، نگران هستیم و نگران خواهیم بود. پیشنهاد ما به حکومت این است که لطفاً دیوارهای کانکرتی را دو قطاره دور و بر خانه‌های مقامات و ادارات دولتی افغانستان بچینید و این قدر مایه‌ی نگرانی ما نشوید. در اخیر کمیته‌ی داوران کمیسیون بررسی تقبیح کونکی‌ها، با اختلاف آراء نتیجه‌ی نهایی را به انتحار و انفجار بعدی موکول کردند. آن‌ها گفتند که پیشرفت محسوسی در تقبیحات مقامات حاصل شده. از حالت نثر خشک و تکراری، به جملات موزون تبدیل شده.

ولایت خراسان دولت اسلامی؛ دو سال پس از ظهورش

امروز دومین سالروز [ظهور] جبهه‌ی جدید داعش در افغانستان است. آیا این گروه می‌تواند سرگذشت‌اش را یک پیروزی بداند؟

دیپلمات/میلو کومرفورد ■ ترجمه: حمید مهدوی ■

کشور، بسیار دور از سرزمین اصلی این گروه در مرز پاکستان، گزارش شده‌اند. یک حجره‌ی فعال آن در کابل مسئولیت بیش از ده حمله را برعهده گرفته است، در حالی که مقام‌های محلی حتا مدعی فعالیت‌های داعش در صحرائی ولایت غور، در غرب افغانستان، شده‌اند.

یکی از تغییراتی که داعش در جنگ افغانستان آورده است تلاش آشکار برای دامن زدن به جنگ فرقه‌ی به هدف جازدن خودش به‌عنوان مدافع سنی‌ها در جهان در برابر تهاجم شیعه‌ها است. [داعش] این هدفش را با هدف قراردادن هزاره‌های اکثر شیعه، در بمب‌گذاری‌های تظاهرات و مراسم مذهبی، دنبال کرده است. به گفته‌ی روح‌الله یعقوبی، از مرکز امنیت بشری رویکرد فرقه‌ی داعش نسبت به این جنگ تاکنون ناکام بوده است و دلیل آن تاحدودی این است که هزاره‌ها به خشونت داعش پاسخ مشابه نمی‌دهند. با این حال، او ابراز نگرانی می‌کند که با حملات فراینده بر هزاره‌ها، خشم بر کابل به‌خطر ناکامی در محافظت از اقلیت‌های در حال افزایش و تهدید خشونت متقابل، به‌ویژه با بازگشت احتمالی جنگجویان هزاره در خارج که در کنار نیروهای ایرانی در سوریه می‌جنگند، در حال رشد است. تأثیر زیاد جیوپولیتیکی ظهور این گروه در افغانستان را نمی‌توان دست‌کم گرفت. داوود اعظمی که برای بی‌بی‌سی می‌نویسد شباهت‌های یک «بازی بزرگ» را مطرح می‌کند، چون ظهور داعش با طوفان کامل افزایش تنش‌ها میان ایالات متحده و بازیگران منطقه‌ی مانند روسیه، چین، ایران و پاکستان هم‌زمان واقع شده است. داعش در افغانستان متحدان اندکی دارد و یک تهدید متحدکننده‌ی بوده است و شرکای مخالف و رقیبان سستی را گرد هم آورده است. به‌صورت مشخص، با افزایش روابط سیاسی ایران و روسیه با طالبان، علیه داعش به‌عنوان دشمن مشترکشان، چشم‌انداز تغییر کرده است. روسیه به‌صورت مشخص از یک پایگاه حمایتی رو به رشد برای این گروه در آسیای مرکزی ترس دارد، منطقه‌ی که در حوزه‌ی نفوذی مسکو است و شاهد سفر هزاران جنگجو به عراق و سوریه بوده است.

جنگ افکار

هرچند داعش در تلاش‌های نظامی و اداری قلمروش موفقیت محدودی داشته است، برخی از کارشناسان گفته‌اند که بزرگترین تأیری و اولویت آن جنگ تبلیغاتی برای قلب و ذهن افغان‌ها است. چنانچه برهان عثمان، از شبکه‌ی تحلیلگران افغانستان اشاره می‌کند، «در حالی که ظاهراً نفوذ ولایت خراسان دولت اسلامی در میدان نبرد حداقل در حال حاضر - رو به افول است، به نظر نمی‌رسد پتانسیل ایدیولوژیک آن در یک حالت زوال قرار داشته باشد».

عثمان در مورد تبلیغات متمرکز به افغانستان داعش مطالعات مفصل انجام داده است. او در می‌یابد که کیفیت، تنوع و شبکه‌ی توزیع آنچه که داعش عرضه می‌کند، هرچند از لحاظ اندازه بسیار کوچکتر است، آنچه که طالبان عرضه می‌کند را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. چهار موضوع اصلی از طریق برنامه‌های رادیویی و مطالب نوشته‌شده‌ی آن پخش و نشر می‌شود: وظیفه‌ی جهاد خشونت‌آمیز، مشروعیت خود داعش در اولویت دادن به این علت، فرامی‌گویی جنبش آن و بی‌اعتبار ساختن «انحراف» رقبای جهادی‌اش.

عثمان، هرچند به این نتیجه می‌رسد که ایدیولوژی داعش برای اکثریت افغان‌ها جذابیت اندک دارد، زمینه‌های بالقوه‌ی برای رشد این گروه - از جمله در میان جوان تحصیل‌کرده‌ی که جذب دیدگاه آخرالزمانی داعش هستند؛ افراد متمایل به جهادی‌ها که تحت تأثیر «خلوص»

سال ۲۰۱۴ برای افغانستان سال نویدها بود. گفت‌وگوهای صلح بین طالبان و پاکستان در جریان بود، ائتلاف به‌رهبری ایالات متحده به ماموریت جنگی رسمی‌اش در اواخر این سال پایان داد و این کشور اولین انتقال دیپلماتیک قدرت را تجربه کرد. هرچند روند حکومت‌سازی پرحرج و مرج و دنباله‌دار بود، یک حس خوش‌بینی در داخل و در جامعه‌ی جهانی در مورد آینده‌ی این کشور وجود داشت. سپس در ۲۶ جنوری ۲۰۱۵، پس از ماه‌ها شایعات در مورد حضور این گروه در افغانستان، ابومحمدالعدنانی، سخنگوی داعش که اکنون مرده است، «توسعه‌ی «خلافت» ابوبکر البغدادی در «سرزمین خراسان» را اعلان کرد. «ولایت خراسان»، اصطلاحی از تاریخ اسلامی که بخش‌هایی از آسیای جنوبی و مرکزی را شامل می‌شود، اشاره‌ی است به عملیات‌های داعش در افغانستان و پاکستان. سال ۲۰۱۵ برعکس سال گذشته‌اش بود. خشونت ستیزه‌جویان به‌سرعت افزایش یافت؛ افغانستان در سال ۲۰۱۵ بیش از هر زمان دیگری در گذشته‌ی این کشور، شاهد مرگ‌ومیر بیشتر ناشی از تروریسم بود و تعداد تلفات تقریباً ۸۰۰ تن بیشتر از سال گذشته‌ی آن بود.

کارشناسان استدلال می‌کنند که آیا «اثر داعش» نشانه یا دلیل خشونت به سرعت در حال بدتر شدن بود یا خیر. در یک سطح، داعش یک تهدید حاشیه‌ی باقی ماند و ستیزه‌جویی در افغانستان هنوز تحت سلطه‌ی طالبان است. گزارش سال ۲۰۱۵ دفتر سازمان ملل متحد [در افغانستان] تلفات ۸۲ غیرنظامی را به داعش و فرماندهان وابسته‌اش نسبت داد، اما تلفات بیش از ۴۰۰۰ غیرنظامی را به طالبان نسبت داد. با این حال، ظهور داعش بدون شک به‌عنوان یک کنسرت برای شروع یک «مسابقه تا پایان کار» بین ستیزه‌جویان به‌عنوان نقش ایفا کرد، چون انحصار طالبان در در خشونت ضدولتی از بین رفت. احتمالاً طالبان می‌توانست یک جایگزین «میان‌رو» برای بی‌رحمی داعش باشند. در عوض، آن‌ها مصمم‌تر شدند و حملات تازه‌ی را تحت فشار مداوم راه‌اندازی کردند که در تصرف موقت شهر قندوز در ماه سپتامبر ۲۰۱۵ به اوجش رسیده بود.

تهدید فعلی

رئیس‌جمهور اشرف غنی گفته است که افغانستان «قبرستان» داعش خواهد بود و مذبوحانه این گروه را به فهرست طولانی سرگذشت‌های ناکام تجاوزگران خارجی اضافه کرده است. اما دو سال بعد، این گروه در کجا ایستاده است؟ داده‌هایی از مرکز دینی و جیوپولیتیکی نظارت بر بنیادگرایی جهانی برای سه ماه اخیر سال ۲۰۱۶ نشان می‌دهد که نتیجه‌ی حملات تحریک‌شده توسط داعش حداقل ۹۴ مرگ، با اکثریت قاطع غیرنظامیان، بوده است. اما این گروه نیز خسارات سنگینی را متحمل شدند که گزارش‌ها نشان می‌دهند که اقدامات متقابل دولت در این دوره حداقل ۴۹۷ ستیزه‌جوی وابسته به داعش را کشته است. عملیاتی توسط نیروهای مسلح افغانستان، هوایماهای بدون سرنشین امریکایی و واحدهای «عملیات ویژه» طالبان علیه این گروه راه‌اندازی شده است. اما این گروه در سنگرهایش در ولایت ننگرهار، در شرق افغانستان، انعطاف‌پذیر باقی مانده است؛ چون از یک‌طرف جغرافیای کوهستانی این منطقه مناسب است و هم با حمایت مداوم از داعش در میان برخی از گروه‌های اقلیت سفلی در این ولایت، زمینه‌ی مذهبی برای این گروه وجود دارد.

سال ۲۰۱۶، تحت فشار مجدد، شاهد توسعه‌ی قلمرو دسترسی این گروه بود، چون این گروه به تاکتیک‌های ستیزه‌جویانه رو آورد تا جنگ تمام‌عیار. هم چنین عملیات‌هایی در سراسر

روحیه نیروهای طالبان

طالبان افغان، پس از یک دوره کوتاه آرامش نسبی بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴، بیشتر از یک دهه است که در جنگ به سر می‌برند. این گروه در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به‌عنوان یک قدرت اصلی در جنوب و شرق افغانستان دوباره ظاهر شدند. گسترش نیروهای آیساف به جنوب و شرق افغانستان تلاش‌های این گروه را برای تصرف ولسوالی‌ها خنثی کرد. چنانچه انتظار می‌رفت با ختم ماموریت آیساف در دسامبر ۲۰۱۴، این گروه به دست‌آوردهای قابل ملاحظه‌ی دست یافته است. یکی از اهداف اصلی فعالیت‌های نظامی این گروه را در دوسال گذشته به کنترل درآوردن مراکز ولایات تشکیل داده است. طالبان موفق شدند شهر قندوز را دوباره، در سپتامبر ۲۰۱۵ و اکتوبر ۲۰۱۶، تصرف کنند. در ماه می ۲۰۱۶ آن‌ها موفق شدند تا شهر لشکرگاه را از نزدیک در معرض تهدید قرار دهند. بخش زیادی از ولایت هلمند در کنترل طالبان است و لشکرگاه در محاصره‌ی آنان قرار دارد. در اخیر می ۲۰۱۶ نیروهای امریکایی در افغانستان گزارش داده‌اند که تنها ۶۶٪ از ۴۰۷ ولسوالی کشور در اختیار دولت قرار دارد. بر اساس این آمارها انتظار می‌رود که سربازان طالبان از روحیه‌ی بالایی برخوردار باشند اما مصاحبه‌های ما خلاف این موضوع را آشکار می‌سازد.

جنگ بی‌هدف

از تبلیغات رسمی طالبان چنین برمی‌آید که روحیه‌ی نیروهای آن‌ها بالا است. با این حال، مصاحبه‌شونده‌ها تعریف دقیق‌تری را از نظرات هم‌قطاران‌شان در مورد فعالیت‌های نظامی این گروه ارائه کردند. گفته‌های آن‌ها مشخص می‌سازد که در مورد روحیه‌ی بالای نیروهای طالبان اغراق صورت گرفته است. مصاحبه‌شونده‌ها با اشاره به تلفات این گروه در ولایت‌های فراه، فاریاب، هلمند، ارزگان و قندوز تأکید کردند که موفقیت‌های آن‌ها در میدان جنگ پرهزینه بوده است. از سوی دیگر، موفقیت‌های این گروه در میدان جنگ اختلافات سیاسی را در میان اعضای این گروه ایجاد کرده است. اکثر اعضای این گروه بر این باور اند که این موفقیت‌ها ارزش تلفات نظامی را نداشته است. بنابراین روحیه‌ی طالبان در بهترین حالت در حالت نوسان است.

نیروهای طالبان بر رهبری این گروه و استراتژی جنگی آن اعتماد ندارند. مصاحبه‌شونده‌ی ج گفت که «در حال حاضر صفوف این گروه شدیداً آسیب‌پذیر است زیرا آنان نمی‌دانند به کدام مسیر می‌روند و فردا چه اتفاق خواهد افتاد. رهبری فقط برای حفظ خود تلاش می‌کند و از اعضای گروه برای این مقصد استفاده می‌کند. ما شاهد میزان بلند تلفات نیروها در میدان جنگ هستیم که هیچ اشکی برای آن‌ها ریخته نمی‌شود». به‌طور عموم تعداد زیادی از قوماندانان حس می‌کنند که عملیات‌های نظامی از هدف و مسیر اصلی‌اش خارج شده است. پس از بیشتر از یک دهه جنگ، هیچ نشانه‌ی از پیروزی وجود ندارد.

تعداد زیادی از قوماندان‌های طالبان در مورد حفظ دست‌آوردهای نظامی نگران‌اند. طالبان نمی‌توانند کنترل یک شهر را پس از تصرف آن حفظ کنند. مصاحبه‌شونده‌ی د از گفت‌وگوی اخیرش با معاون والی نام‌نهاد طالبان در ولایت زابل یادآوری نمود که از نبود چشم‌انداز پیروزی در میدان جنگ شکایت دارد و باورمند است که ادامه‌ی این وضعیت هیچ سودی ندارد.

کشتار افغان‌ها

رشد تنفر نسبت به انگیزه و رفتار غیر اسلامی بعضی از قوماندان‌های گروه طالبان در جبهه، به مشکلات این گروه افزوده است. ممنوعیت تخریب زیرساخت‌ها و کشتن غیر نظامیان توسط طالبان، به‌شکل گسترده‌ی نادیده گرفته می‌شود. مصاحبه‌شونده‌ی ج به مخالفت‌های شدید برخی از اعضای این گروه با کشتار غیر نظامیان اشاره کرد. از نظر او کشتار غیرنظامیان مخالف شریعت می‌باشد. او افزود که تلفات غیرنظامیان تحت سرپرستی ملا ذاکر در رهبری کمیسون مرکزی نظامی افزایش یافته است. کمیسون تلفات غیر نظامیان گروه طالبان در مهار عملیات‌های بی‌رویه‌ی قوماندان‌های این گروه ناموفق بوده است. رقابت‌های درونی

آماده برای صلح؟

طالبان افغان پس از یک دهه جنگ

■ تیوفرل و مایکل سمپل ■ مترجم: حسن رها ■ قسمت دوم و پایانی

سوی دیگر، مردم این مناطق این اقدام طالبان را فعالیت این گروه برای «منافع شخصی» تعبیر خواهند کرد.

رویکرد جدید به صلح

مصاحبه‌شونده‌ها ناراضی‌های گسترده با وضعیت جنبش در درون طالبان، مدیریت و مسیر جنگ و به‌ویژه ضعف رهبری ملا هبیت الله را توضیح دادند. بر اساس گفته‌های آن‌ها، این مسایل باعث شده است که در صفوف طالبان و سطح رهبری این گروه بر تعداد کسانی که برای پایان یافتن جنگ آماده‌اند افزوده شود. با این حال، خوشبینی‌ها در مورد موافقت رهبری طالبان و افراد قدرتمند این گروه با پروسه‌ی صلح اندک بود. هم‌زمان شدن این مصاحبه با رد آخرین تلاش‌های صلح از طرف رهبری مستقر در کویت به بدبینی را تقویت می‌کند.

صلح با شورشیان

برای استفاده از تمایلات صلح‌خواهانه در درون طالبان، قبل از هر اقدامی باید به موانعی که پروسه‌ی صلح چهارجانبه و تلاش‌ها برای مذاکرات از طریق نمایندگی سیاسی طالبان در قطر را عقیم ساخته است رسیدگی شود. رویکرد جدید (صلح با شورشیان) باید برای دوزدن ممانعت‌های رهبری طالبان طراحی گردد. مطابق این طرح، گفت‌وگوهای صلح بدون توافق رهبری طراز اول طالبان به پیش خواهد رفت. اشتراک در این گفت‌وگوها باید برای تمام طالبانی که در درون آن گروه اعتبار و نفوذ دارند و می‌توانند حمایت طرفداران خود را جلب نمایند، ممکن باشد. در این صورت، صلح با شورشیان می‌تواند برای اعتراض طالبان بر ضعف رهبری این گروه در طرح یک استراتژی معتبر، گزینه‌ی عملی‌ارائه کند.

برای موفقیت صلح با شورشیان لازم است تا یک مکانیزم کارآ برای گردآوری طالبان طرفدار صلح ایجاد گردد. اگر این گفت‌وگوها در ایجاد منافع مشترک بین شورشیان طالب و دیگر سهامداران قدرت در افغانستان موفق شود، می‌تواند به دست‌آوردهای عملی برای مردم افغانستان بینجامد. مصاحبه‌شونده‌ها مشخص ساختند که ناراضی‌های گسترده از فساد رهبری و اثرات مخرب جنگ دوامدار، بیانگر روحیه‌ی شورشیان طالب می‌باشد. با این حال، مصاحبه‌شونده‌ها افزودند که طرفداران جنبش طالبان هويت سیاسی خود را به‌عنوان طالب حفظ کرده‌اند و باور دارند که جنبش آن‌ها به هدف آوردن اصلاحات ایجاد شده بود. بنابراین شورشیانی که در گفت‌وگوهای صلح اشتراک می‌کنند مجبور اند تا برای حفظ حمایت طرفداران‌شان از وفاداری خود به روح جنبش طالبان دفاع کنند و از نشان دادن هرگونه تسلیمی به دولت افغانستان خودداری ورزند. این امر مستلزم هماهنگی و احتیاط شریکان قدرت در افغانستان می‌باشد.

زمان مناسب

مصاحبه‌شونده‌ها تأکید کرده‌اند که زمان مناسب برای عملی ساختن طرح صلح با شورشیان فرا رسیده است. با در نظر داشت این گمان رایج که نظامیان طالبان از دست‌آوردهای‌شان در جبهه و تداوم جنگ راضی‌اند، برخی از تحلیلگران با طرح این مساله مخالفت خواهند کرد. اما وضعیت سیاسی طالبان دورنمای صلح با شورشیان را تقویت می‌کند. فروپاشی اقتدار رهبری تحت امارت هبیت الله، رشد گروه‌گرایی، ناتوانی طالبان در حمایت از مهاجران افغان در برابر کمپاین اخراج از پاکستان، و وخامت روابط

میان رهبری طالبان مقیم کویت و شبکه‌ی منصور فضا را برای طالبان طرفدار صلح مساعد ساخته است. این تحولات ادعای آن‌ها را که رهبری طالبان هیچ‌گونه استراتژی پایدار ندارد، تقویت کرده است. بی‌ثباتی وضعیت طالبان تندرود در پاکستان، توان رهبری آن‌ها را در مهار کردن مخالفان کاهش داده است. با این وجود، هیچ‌یک از این عوامل دایمی نیست. احتمالاً تندرودان متعهد به ادامه‌ی جنگ کنترل رهبری را به‌دست می‌گیرند و روابط‌شان را با پاکستان و بازیگران منطقه‌ی دیگر مستحکم می‌کنند.

نتیجه‌گیری

این تحقیق می‌تواند برای مطالعه‌ی جنبش طالبان و طرح پالیسی برای منازعه‌ی افغانستان استفاده شود. اول، در مطالعه‌ی جنبش طالبان، سوال در مورد موضع طالبان بی‌معنا است. در عوض باید مطالعه آن قدر دقیق باشد که مواضع متفاوت در میان طالبان، در موضوعات مربوط به منازعه و آینده‌ی این جنبش، را با جزئیات کافی بررسی کند. لازم است تا موضع دیپلماتیک اعضای رسمی طالبان از موضع افراد تأثیر گذار در درون این جنبش مانند قوماندان‌های محلی آن تشخیص داده شود.

دوم، مطالعات جنبش طالبان باید بپذیرد که از زمان افشا شدن مرگ رهبر اصلی این گروه تاکنون در یک دوره‌ی گذار قرار دارد. تمام پیش‌فرض‌ها در مورد رفتار طالبان باید در روشنایی این مساله مورد بررسی قرار گیرد. به‌ویژه، محققان باید تضعیف اصل اطاعت از رهبر را در درون طالبان مطالعه کنند. این فهم متعارف که طالبان منسجم‌ترین و متمرکزترین ساختار سیاسی در افغانستان می‌باشد، دیگر صادق نیست.

سوم، برای فهمیدن تفاوت‌های تفکر جدید طالبان لازم است تا اهمیت و محدودیت‌های نظریات مخالف را در درون طالبان در نظر داشته باشیم. انتقادها بر اعمال خشونت‌آمیز طالبان بر این روایت استوار بوده است که امیر و رهبران گروه‌های جنبش از مسیر شریعت و عدالت اجتماعی منحرف شده‌اند و با عملکرد حکومت و یا هم قانون اساسی افغانستان ربطی ندارد. بنابراین تمایل به راه‌حل صلح‌آمیز برخاسته از واکنش به اختلافات درونی طالبان است نه عشق به دولت افغانستان.

در رابطه به پالیسی، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که استراتژی مذاکره با رهبری رسمی طالبان برای رسیدن به توافق کافی نیست. از سوی دیگر، ظهور مخالفت‌ها در درون جنبش طالبان هم فرصت و هم تهدید جدیدی را برای پروسه‌ی صلح ارائه می‌کند. مسلماً شاخه‌ی خراسان دولت اسلامی با استخدام طالبان ناراضی بیشترین سود را از فروپاشی انسجام طالبان برده است. در مقابل، استراتژی صلح با شورشیان، طوری که بیشتر طرح شد، می‌تواند طالبان ناراضی را به پروسه‌ی صلح بکشاند. هیچ‌کدام این‌ها، بدین معنا نیست که طالبان صلح‌طلب دولت افغانستان را که اکثر طالبان از آن نفرت دارند، خواهند پذیرفت. صلح با شورشیان باید بر اساس اصل استقلال از افراد جنگ‌طلب در درون حکومت و طالبان. همچنان طالبانی که در این پروسه سهم خواهند گرفت گروهی‌اند که می‌خواهند از خشونت‌های بی‌حاصل خلاصی یابند ولی وضعیت موجود برای آن‌ها پذیرفتنی نیست.

احتمال تغییر مسیر سیاست‌های طالبان زیاد نیست. برای افراد و گروه‌های ناراضی در صفوف طالبان لازم است در کنار کمک به تقلیل خشونت‌ها و اشتراک در پروسه‌ی صلح احترام و حمایت هم‌قطاران خود را در درون طالبان حفظ کنند. موفقیت این پروسه بستگی به استراتژی دولت افغانستان دارد. اگر با طالبان به‌عنوان بازیگران سیاسی جدی برخورد شود و به آن‌ها اجازه داده شود تا خود را به‌عنوان مجاهدین درستکار (برای هواداران‌شان) به نمایش بگذارند، احتمال موفقیت این پروسه وجود دارد. اما اگر با طالبان به‌عنوان فراریان تسلیم‌شده برخورد شود، این پروسه به شکست می‌انجامد. از سوی دیگر ظهور اختلافات در درون طالبان چالشی را برای مقامات پاکستان ایجاد کرده است. دولت پاکستان در گذشته از یکپارچگی طالبان حمایت کرده است. بنابراین موفقیت صلح با شورشیان ناشی از تحولات سیاسی در درون طالبان خواهد بود، نه تشویق پاکستان.

در زندان‌های دنیا چه می‌گذرد؟

مروری بر کتاب «ملت‌های در بند: سیاحت عدالت در زندان‌های سراسر دنیا» نوشته‌ی بژدری سینگر

مرجع: LARB / جسیکا پیشکو | ترجمه: حامد سروش

لوس آنجلس ریویو آو بوکز - من، به‌عنوان کسی که در زندان تدریس کرده‌ام، می‌توانم دیدگاه خانم بژدری سینگر را بفهمم. وقتی به کلاس‌های من می‌گذارید و گردتان را دانشجویانی می‌گیرند که بسیار مشتاق‌تر از دیگر دانشجویانی هستند که بیرون از آن‌جا داشته‌اید، دشوار است غم‌زده و شگفت‌زده نشوید. این‌ها دانشجویانی‌اند که از بیشتر دانشجویان دیگر فکورتر بوده و بیشتر با موضوع درگیر می‌شوند. این‌ها تجربه‌هایی از زندگی دارند که می‌توانند درباره‌ی شاهکارهای ادبی به کار ببندند. این‌ها جنایت و مکافات داستانی‌های فکری را بر سر می‌خوانند؛ آن‌ها را زندگی می‌کنند. آموزش به‌خودی‌خود ارزشمند است، اما برای این زندانی‌ها هر واژه فطره‌ی بی‌آزادی است. هر پیشرفتی در فهم و هر قدمی به پیش، برای این دانشجویان، که گزینه‌های محدودتری دارند، معنادارتر است.

اما در پایان روز، شما به‌عنوان معلم، [در واقع] گردشگری هستید که کوتاه‌زمانی را به بازدید از زندان گذرانده‌اید و نسیمی از آزادی را به آن‌جا برده‌اید و در لحظه‌ی ترک زندان، آن نسیم را با خود می‌برید. بژدری سینگر استاد انگلیسی دانشگاهی عدالت جزایی جان جی در نیویورک است و نیز بنیان‌گذار و مدیر آموزشی «رهگذر زندان به دانشکده» است، برنامه‌ی که کلاس‌هایی در تراز دانشکده برای دانشجویان زندانی در «کانون باپرووری آتیس‌ویل» در شمال نیویورک برگزار می‌کند. برنامه‌ی او و دیگر برنامه‌های همانند آن -از جمله، برنامه‌ی که رید کالج برگزار می‌کند: «پرديس در میان حصارها»- حتماً وقتی بر نیروی افزونه‌ی فرهیختگانی تکیه می‌کنند که حاضرند وقت‌شان را به چک‌وچانه‌زدن با مسئولان زندان بگذرانند، در واقع رسالت نابی را به دوش می‌کشند. البته که این برنامه‌ها نمی‌توانند کل نظام را دگرگون کنند، مثلاً نمی‌توانند زندان ریکرز را تعطیل کنند، اما می‌توانند به دانشجویانی که تاحدی در دسترس‌اند دستی برسانند و، به‌قول معروف، سراغ «بهترین بدها» بروند.

کتاب تازه‌ی خانم بژدری سینگر، ملت‌های در بند، در اصل، نوعی گلچین است: بخشی خطرات اوست و بخشی سفرنامه‌ی او از بازدیدش از زندان‌های جهان: از آفریقا گرفته تا تایلند و استرالیا. قدری نگاه تاریخی و جامعه‌شناختی در این اثر موجود است، ولی نکته‌ی اصلی مدنظر او این‌ها نیست. او از خواننده می‌خواهد بر انسانیت مشترک آدم‌هایی تمرکز کند که او دیده است. این واقعیت که این کتاب تاحدی گلچین و گزیده است نیت‌ها و تعارض‌های شخصی زرف او در او کانون کتاب را منعکس می‌کند. گرچه کتاب، به‌اندازه‌ی استدلالاتی قاطع، کاملاً رضایت‌بخش نیست، اما صداقت و اصالت را یکجا گرد آورده است.

برانگیخته‌ترین صحنه‌ها آن‌هایی‌اند که او به زندانی‌ها ادبیات درس می‌دهد. باین‌حال، حتماً این صحنه‌ها هم آکنده از تناقض‌اند؛ مثلاً دانشجویان او در اوگاندا رنج‌بردن و جان‌کندن را تقریباً عادی و پذیرفتنی می‌دانند. اما، در زندانی در استرالیا، بژدری سینگر به کلاسی که تقریباً همه‌ی شرکت‌کنندگان سفیدپوست‌اند نوشته‌های مالکوم ایکس و فردریک داگلاس را درس می‌دهد و طنز قضیه در درمی‌یابد: این دانشجویان، که همگی در زندانی خصوصی‌اند، ظاهراً بیش از دانشجویان او کاندیدایی مطلب را «می‌گیرند». کلاس در استرالیا «خودش به خودش درس می‌دهد». خانم بژدری سینگر زن خوش‌فکری است؛ او هم به این نکته توجه دارد که این دانشجویان را از پیش به‌عنوان دانشجویان «آماده به دانشگاه» برگزیده‌اند و هم رهیافت شک‌گرایانه‌اش به زندان‌های خصوصی را بیان می‌کند و این نوع زندان‌ها را به پرسش می‌کشد، زندان‌هایی که مجرم‌ها در آن به نوعی «سرمایه» تبدیل می‌شوند. باین‌همه، دانشجویان به «حساسیت‌های ظریف و نژادی» و جزئیات دیگر توجه دارند و «کاملاً غرق در یادداشت‌برداری دقیق و موبه‌مو» از مطالب می‌شوند. داستان معلم زندان ژانر خاص خودش را دارد.

امریکایی، به‌عنوان راهی برای اصلاح است. درحالی‌که متن اصلی خوانندگی زمانی انجیل بود (و هنوز هم در بیشتر زندان‌ها هست) اما اندکاندک، به‌جای آن متن الهی، آرمان اجتماعی فهم بشری نشسته است: شکسپیر. برای آموزش دادن شکسپیر در زندان، اشتیاقی تقریباً دیوانه‌وار وجود دارد: شکسپیر، قله‌ی ادبیات و توانایی انگلیسی، سنجی است که مردم با آن می‌سنجند چه کسی فرهیخته است و چه کسی نیست. نمایش‌ها، فیلم‌ها و مقاله‌های بسیاری درباره‌ی آموزش دادن شکسپیر به زندانی‌ها وجود دارد؛ حتی کنفرانس کاملی نیز درباره‌ی این موضوع هست. هدف‌های درسی سینگر، هم فروتنانه‌ترند و هم شخصی‌تر. او حفظ می‌کند که دانشجویانش را در آغوش می‌کشد، جایی که می‌تواند صدای‌شان کند. به‌نظرش، این کاری است درباره‌ی آدم‌ها و جان‌کندن‌های‌شان. او اذعان می‌کند که کارش، علی‌رغم حیاتی‌بودنش، می‌تواند فقط راه نجات کوچکی باشد برای خود و خانواده‌ی افراد که شدیداً جان می‌کنند.

من این را هم پسندیدم که این کتاب از اندک شیوه‌های مصالحه‌ی نیز می‌گوید که درسی سینگر برای رسیدن به هدفش پی می‌گیرد، شیوه‌هایی که او باید به مسئولانی که تصمیم می‌گیرند چه‌کسی اجازه‌ی ورود به آن قلمرو را دارد خوش‌خدمتی کند. (برای بخش معینی از مردم، ورود به زندان به‌طرز عجیبی دشوارتر از خروج است).

و از این رو در پایان کتاب از خودم می‌پرسیدم: زندان‌های ملل بیشتر درباره‌ی زندانی‌ها بود یا درباره‌ی ما خواننده‌ها. این کتاب مخاطب خاصی را در نظر داشت، مخاطبی که به آموزش زندانی‌ها اهمیت می‌دهد، کسی که خواهان یافتن رستگاری است. واپسین فصل درباره‌ی نروژ است (با نام «عدالت؟»، نامی که حق مطلب را برای نیت‌های درسی سینگر ادا می‌کند). زندان نروژی اوج انصاف و برابری است، جایی است که زندانی‌ها و کارگرهایی که آن‌جا کار می‌کنند کنار هم می‌نشینند و خوراکی‌شان را قسمت می‌کنند. نروژ نه‌فقط نرخ جنایت فوق‌العاده پایین و جرم‌پیشگی نژادیک به صفر دارد، بلکه فرهنگ زندانی‌ها نیز بازتاب خلقیات ملی جانتلاون است؛ کسی که از «فردگرایی و کامیابی شخصی» بیزار بود. درسی سینگر این را ویژگی مثبتی می‌داند. هم‌زمان، زنی که با او سخن می‌گوید این ویژگی را، به‌مثابه‌ی چیزی که مردم را پست نگه می‌دارد، نقد می‌کند. باز هم، این صحنه یادآوری می‌کند که هیچ نظامی کامل نیست: وقتی زندگی فردی در خطر باشد، همواره دغدغه‌ها و نقدهای وجود خواهند داشت. درسی سینگر نمی‌تواند به نظریه‌ای فراتر برسد و، به‌عنوان استاد زبان انگلیسی، نه وکیل یا کنشگر، دیدگاهی دانشگاهی را به کار ببندد، دیدگاهی ادبی، اگر بتوانم چنین بگویم، فکری‌کنم معنادارترین تعبیر از دیدگاه اوست.

نتیجه این‌که، من می‌توانم بفهمم چرا درسی سینگر کتاب را چنین چارچوب‌بندی کرده است: نوعی بخور، نیایش کن، مهر بوزر برای بخش زندان. این صورت‌بندی دست او را باز می‌گذارد تا به همه‌ی تناقض‌های نگرش اذعان کند: اینکه او، هم سفیدی را بازمی‌نمایاند (درسی سینگر په‌بودی است) و هم سپاهی را (او در رشته ادبیات امریکاییان آفریقایی‌تبار و «موسیقی» هیپ‌هاپ درس خوانده است)؛ اینکه او هم درون نظام است هم بیرون آن را؛ اینکه هم به نیکی سرشت انسان باورمند است و هم هرگونه قرائت رسمی از دین را رد می‌کند؛ اینکه باید با نظام مصالحه کند تا برسد به مردمی که می‌خواهد کمک‌شان کند و، درعین‌حال، ناچار از مقاومت است. او آن‌قدر آگاه و فروتن هست که هم هم‌دستی‌اش با نظام نابودگر زندگی‌ها را تشخیص دهد و هم حق انحصاری‌اش برای مقاومت کردن را، مقاومت به‌شیوه‌ی که دانشجویان در بندش نمی‌توانند.

وقتی در زندان سن کونتین درس نگارش می‌دادم، اغلب فراموش می‌کردم کجا هستم. کلاس کلاسی می‌شد مانند هر کلاس دیگر: پُر از دغدغه‌های فردی و پرسش‌هایی که باید اداره می‌شد. هرکس یک فرد بود؛ هیچ «تجربه‌ی حس» وحدت‌بخشی در کار نبود. کتاب درسی سینگر ظاهراً نمی‌تواند تعیین کند کجای این تقسیم‌بندی می‌ایستد. آریا، در نهایت، زیاتر آن است که در پی یافتن نوری در تاریکی باشیم یا بهتر است کل نظام را با خاک یکسان کنیم؟

پهلنگ

سخن‌های سخندان

تنهایی عنکبوتی

یکی از خویشان ما تکیه‌ی کلامش این بود: خدا ایمان بدهد. او این جمله‌ی دعاگونه را کاملاً از روی عادت تکرار می‌کرد و توجهی به معنای آن نداشت. البته افراد مذهبی، که گردش امور دنیا و هستی را در دست گشاده‌ی خداوند می‌بینند، طبعاً بر این باور هم هستند که سهم هرکس از ایمان همان‌قدر است که خداوند تایید کرده باشد. خلاف دین‌باوری است که کسی فکر کند اصل ایمان یا عمق ایمانش موید به تایید الهی نیست. اما ایمان یک معنای دیگر هم دارد که می‌تواند فراتر از ایمان مذهبی باشد. در این معنا، ایمان یعنی این‌که دل آدم پر باشد؛ یعنی این‌که آدم حس کند که می‌تواند در این جهان با خوش‌بینی و فارغ از ترس تنهایی، زوال و احساس پوچی به زنده‌گی خود ادامه بدهد. شاید آدم به این گونه ایمان نیاز عمیق‌تری دارد. از کجا این را می‌دانیم؟ برای یافتن پاسخ به این سوال من همیشه در احوال مردان و زنان قدرتمند و ثروتمند تامل می‌کنم (گاهی که زنده‌گی نامه‌های‌شان را می‌خوانم - به قلم خودشان یا به قلم دیگران - نیز همواره در پی یافتن رد پای این‌گونه ایمان در این افراد هستم).

غالباً، نه همیشه، آنانی که قدرت و ثروت و منزلت بسیار دارند، هر بار که مصداق تازه‌ی از قدرت و ثروت در زنده‌گی‌شان رخ می‌نماید، ناگزیر می‌شوند در جبهه‌ی جدیدی هم بچنگند. قاعده‌ی این جهان همین است که در آن چیزی جاودانه نپاید. زوال امپراتوری‌های بزرگ جهان (حتی در روزگاری که هر کاری برای بقای امپراتوری مجاز بود)، گواه این ماجرای ماندگار روزگار است. کسی که بخواهد نشانه‌های بیشتری از قدرت و ثروت و منزلت را در اطراف خود ببیند، ناگزیر باید شاهد زوال نشانه‌های بیشتری هم باشد. و همین روند اعصاب خردکن بسیاری از اهل قدرت و ثروت و منزلت افسانه‌ی را تنها و «بی‌ایمان» می‌کند و از پا درمی‌آورد.

یک نمونه‌ی کامل از افراد این چنین ترسان و بی‌ایمان همین رییس‌جمهور جدید امریکا، دانلد ترامپ، است. نمونه‌های دیگر این بی‌ایمانی را در ائتلاف کردن‌های رهبران افغان و دلجویی کردن‌های‌شان از همدیگر نیز می‌توان دید. وقتی که زیر دل فرد قدرتمند خالی می‌شود و بانگ تنهایی در زیر گنبد غرور و خودشیفته‌گی‌اش بلند می‌شود، مثل ترامپ نیمه‌شب از خواب می‌خیزد و جنجالی خلق می‌کند تا جهان بفهمد که او تنها و ترسان نیست. بر همین سیاق، رهبران ما وقتی سرمای تنهایی یخ‌شان کرد، احوال همدیگر را می‌گیرند و مجلس گرم می‌کنند (چون می‌دانند، و تنها خودشان می‌دانند، که عمق احساس زوال‌شان چه‌قدر است).

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

۵۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

۴۰۰۰ افغانی

شش ماهه

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سرمدییر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جويا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته ها به نویسندگان آن بر می گردد.

بگو مگو از facebook

Hazrat Wahriz



به نظرم می‌رسد «بودن یا نبودن» ترجمه‌ی خوبی از ۰۰ ۰۰ ۰۰ ۰۰۰ ۰۰ ۰۰ ۰۰ نیست. آنجا هاملت این سوال را از خود می‌پرسد. نه این که پیش از شکسپیر کسی خود را نمی‌کشته و یا خودکشی میان آدم‌ها اصلاً معمول نبوده است. اما به گمانم- این اولین بار در ادبیات است که انسان، رفتن یا ماندن خود را از حیطه‌ی اراده‌ی ماورای طبیعی بیرون می‌آورد و این مسئله را با خرد خود سبک و سنگین می‌کند. او به این عنوان وارد میدان می‌شود که بگوید، تصمیم من است که سرنوشت ماندن و یا رفتن را تعیین می‌کند، نه قضا و قدر. مترجم روسی شکسپیر کار راحت‌تری داشته چون ترجمه‌ی این مصدر درست به همین ترتیبی است که در انگلیسی می‌خوانیم: ۰۰۰۰ ۰۰ ۰۰۰۰ اما کار مترجم فارسی کمی دشوارتر است. هرچند حدود صد سال از ترجمه‌هاملت به فارسی می‌گذرد، هنوز- مترجم‌های معاصر هم- همان «بودن یا نبودن» را ترجیح می‌دهند. فکر می‌کنم، به فارسی رساتر است اگر این پرسش مرکزی‌هاملت را «باشم یا نباشم» یا «بمانم یا نمانم» ترجمه کنیم به این قرینه که مخاطب‌هاملت خود اوست، هرچند این مونولوگ در حضور دیگران اتفاق می‌افتد. از سوی دیگر، فعل در زبان انگلیسی در زمان حاضر ساده نظر به شخص (به استثنای شخص سوم) گردان نمی‌شود اما در فارسی می‌شود بنابراین، «باشم یا نباشم» منظور گوینده را بهتر می‌رساند. هرچند، این ترجمه از امکان هم‌ذات‌پنداری می‌کاهد چون به دلیل نبود شخص در مصدر، آن جنبه‌ی تعمیم‌یابی پرسش پررنگ‌تر می‌شود. گفتم اشاره‌ی کرده باشم به این که راهی‌ی از درگیری در ترجمه، حتی هنگامی که عبارت آشنا و جاافتاده‌ی را هم برمی‌گردانیم، هرگز آسان نیست.

Tawana Dawood



خلاصه‌ی زندگی یک افغانستانی

نه ماه مادرت را رنج می‌دهی و لگد می‌زنی. مادر کم توقعات اما هزار امید به زاده شدنات و فردای تو دارد. شب‌های شب را گریه می‌کنی و مادرت بیدار. مادرت از رفاه خودش کم می‌کند، لذت‌ها و خوشی‌هایش را نصف می‌کند، و با مایه‌ی نصف رفاه و خوشی‌هایش تو را مکتب می‌فرستد. خدا می‌داند پدرت زیر سنگینی کار و بار چه می‌کشد! دست‌های پدر خمار می‌خورد، آبله می‌کند و خسته می‌شود تا دست تو پیش کسی دراز نباشد. شب‌ها پدر و مادرت از نگرانی این‌که تو را خوشبخت نتوانند کاپوس می‌بینند.

با کمترین امکانات که پاره‌ی وجود پدر و مادرت هست مکتب می‌روی؛ در کنار این‌که دهقانی می‌کنی، چوپانی می‌کنی و کمی بازی هم می‌کنی. وقتی به دانشگاه راه می‌یابی، سرت را به بازی راه پر از طالب و داعش قمار می‌زنی و بیابان وحشی را تا رسیدن به دانشگاه عبور می‌کنی.

نسل اندر نسل آسیب‌پذیری. برف و باران که نبارد، از تشنگی و گرسنگی می‌میری؛ نه چشمه‌ی گردنه آب دارد که بنوشی و نه زمین بدون آب حاصل می‌دهد که بخوری. اما همین‌که برف و باران ببارد، آشیانه‌ی گلی و غریبانه‌ات بر سر خانواده‌ات آوار می‌شود.

از خدمات دولت محرومی و مخالفان مسلح دولت هم تشنه‌ی خونت هستند. در وطن خودت هیچ طرف قضیه حساب نیستی و فقط قربانی شدنت را عید می‌گیرند و چیزی در مایه‌های گوسفند به تو ارزش قایل اند.

بازهم ناامید نمی‌شوی. دل‌ات کوه است و بقایان زندگی و مبارزه. درس می‌خوانی که تابوی فقر را در خانواده‌ات بشکنی و به شهروند درجه دوم بودن خودت نقطه‌ی پایان بگذاری. با همین امید فربه و قرص‌ات از دانشگاه فارغ می‌شوی. سرت به تمام سخره‌های ساختگی دست بشر وطن‌ات می‌خورد و تازه می‌فهمی که اعتماد به نفس، غرورت و امیدت کاذب بوده‌اند. وطن دوستی‌ات، نیکی کردن و در دجله انداختن‌ست که خداوندگار این دیار در بیابان‌ات باز نمی‌دهد بلکه باز می‌گیرد و فقط می‌گیرد. این‌جا گویا سرزمین انحصاری و پداری کسان دیگر است. چقدر سخت است مهاجر بودن در وطن خود!

ناامید می‌شوی و رو می‌آوری به مهاجرت؛ مهاجر بودن بیرون از وطن، آسان‌تر و قابل تحمل‌تر از مهاجرت و غریبه بودن در درون وطن است، چون آن‌جا توقعی نداری و هرچه باداباد!

مهاجر می‌شوی، برای چند روز عمر را گم شدن. گم شدن از دیار آبایی‌ات و سرزمین بازی‌هایت. می‌روی آن‌سوی آب‌ها، نمی‌پذیرند، خودکشی می‌کنی. انگار این دنیا جای تو نیست.

سازمان عفو بین‌الملل رژیم بشار اسد را متهم به جنایت علیه بشریت کرده است. در یک زندان سوریه هر هفته ده‌ها نفر به‌مدت پنج سال به‌طور منظم اعدام شده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل در بیانیه‌ی که سه‌شنبه ۷ فوریه / ۱۹ بهمن در لندن منتشر کرده گفته است که در زندان نظامی صیدنایا واقع در نزدیکی دمشق از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۵ حدود ۱۳ هزار نفر زندانی توسط عاملان حکومت بشار اسد اعدام شده‌اند.

به‌گفته‌ی عفو بین‌الملل، این زندانیان بدون طی کردن مراحل قانونی به دار آویخته شده و بیشتر آن‌ها غیرنظامیان بوده‌اند.

بنا به این گزارش، رژیم سوریه از شرایط غیرانسانی زندان صیدنایا آگاه بوده است. در این زندان شکنجه، تجاوز و یا محرومیت از غذا، آب و مراقبت‌های پزشکی امری متداول بوده و بر اساس «سیاست نابودسازی» تعداد زیادی از زندانیان کشته شده‌اند.

از آن‌جا که مشاوران بشار اسد دستور کشتار را صادر می‌کرده‌اند، رهبر سوریه به‌طور مستقیم در این قتل‌عام نقش دارد. عفو بین‌الملل نیز در بیانیه‌ی خود گفته که این جنایات هولناک

عفو بین‌الملل: رژیم سوریه هزاران نفر را اعدام کرده است

مارکوس ان. بیکو، مدیر بخش آلمانی عفو بین‌الملل می‌گوید شورای امنیت نباید چشم‌های خود را بر روی این جنایت‌های مخوف ببندد. برای این‌گونه جنایت‌ها باید هیچ مصونیتی از مجازات وجود نداشته باشد و عاملان آن در برابر دادگاه جنایی بین‌المللی قرار بگیرند.

پیش از این در ماه اوت ۲۰۱۶ (مردادماه سال جاری) سازمان عفو بین‌الملل در گزارشی بر اساس سخنان ۶۵ تن از کسانی که از زندان‌های سوریه جان سالم به‌در برده بودند گفته بود که از آغاز جنگ داخلی در سوریه ۱۸ هزار نفر در زندان‌های این کشور جان باخته‌اند و در زندان‌ها شکنجه‌های وحشیانه حاکم است.

بر اساس برآوردهای فعالان حقوق بشر سوریه شمار کشته‌شدگان در زندان‌های رژیم سوریه از سال ۲۰۱۱ حتی به ۵۰ هزار نفر می‌رسد که بسیاری از آن‌ها زیر شکنجه کشته شده‌اند.

سه سال پیش، در سال ۲۰۱۳ یک عکاس نظامی با نام مستعار «قیصر» ده‌ها هزار عکس از زندانیان کشته‌شده در سوریه را به‌شکل پنهانی از کشور خارج و سپس منتشر کرد. این تصاویر هزاران جسد لاغر با آثار شدید بدرفتاری بر آن‌ها را نشان می‌دادند. (راديو زمانه)

به‌دستور مقامات بلندپایه‌ی حکومت سوریه صورت گرفته است. هدف از این کشتار از بین بردن تمام مخالفان در بین مردم سوریه بوده است.

«سازمان ملل مداخله کند»

عفو بین‌الملل می‌گوید در کشتارهای دسته‌جمعی زندان صیدنایا در مدت پنج سال به‌طور منظم و متداول هر هفته و یا اغلب دو بار در هفته گروه‌هایی تا ۵۰ نفر از زندانی‌ها تحت تداپیر شدید امنیتی شب‌ها به دار آویخته شده‌اند. همچنین شواهد بسیار قوی وجود دارد که این کشتارها تا امروز نیز ادامه دارد.

بر اساس این گزارش، زندانیان اعدام‌شده در دادگاه‌های نظامی و در محاکمه‌های کوتاه‌مدت به مرگ محکوم شده‌اند. آن‌ها زیر شکنجه مجبور به اعترافات دروغین شده‌اند و دادگاه بر پایه‌ی این اعترافات آن‌ها را به مرگ محکوم کرده است.

عفو بین‌الملل گزارش خود را بر اساس مصاحبه با ۸۴ نفر از شاهدان، از جمله نهبان‌های سابق، مقامات، زندانی‌ها، قضات و وکلا تدوین کرده است.

این سازمان مدافع حقوق بشر از سازمان ملل متحد خواسته است هر چه سریع‌تر در این‌باره مداخله کرده و موضوع را مورد بررسی قرار دهد.

نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق فرانسه به دادگاه احضار شد

رقابت‌های در پیش رو، ناکام ماند. این پرونده با نام رسوایی بیگمالیون شناخته می‌شود.

محور پرونده بر پایه این ادعا است که حزب آقای سارکوزی به نام یوم‌پی، در تباری با یک شرکت کارگزار روابط عمومی، رقم واقعی هزینه‌های مبارزات انتخاباتی سال ۲۰۱۲ را مخفی کرده است.

قوانین فرانسه روی مخارج تبلیغات انتخاباتی محدودیت‌هایی اعمال می‌کنند. این ادعا مطرح است که شرکت بیگمالیون، صورت‌حسابش را به جای ستاد کمپین، به حزب آقای سارکوزی ارسال کرده بود که این امر به حزب یوم‌پی اجازه داد از حد تعیین‌شده فراتر رود.

یک قاضی فرانسوی حکم داده است که نیکولا سارکوزی، رئیس‌جمهور سابق این کشور باید در ارتباط با یک پرونده‌ی رسوایی مالی در ارتباط با هزینه‌های مبارزات انتخاباتی‌اش در دادگاه حاضر شود

آقای سارکوزی با این اتهام روبه‌رو است که حزبش حساب‌های بانکی را دستکاری کرده تا ۱۸ میلیون یورو از هزینه‌های تبلیغاتی را پنهان کند. آقای سارکوزی تکذیب می‌کند که از دریافت پول در حدی بالاتر از سطح قانونی تعیین شده آگاه بوده است و گفته بر علیه این حکم درخواست تجدید نظر خواهد داد.

در سال ۲۰۱۲، او رقابت را به فرانسوا اولاند باخت و در تأمین هزینه‌های حضور مجدداش در

واکنش خامنه‌ای به سخنان ترامپ: مردم روز ۲۲ بهمن پاسخ تهدیدها را می‌دهند

پایان رسیده است.»

در این میان، بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی ایران، روز دوشنبه ۱۸ بهمن با اشاره به این موضوع که دولت جدید امریکا هنوز «تا استقرار کامل فاصله دارد»، اضافه کرده بود: «به شکل قابل قبولی که انتظار می‌رود، دولت به صورت یک دولت مستقر وجود ندارد.»

سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی ایران در مورد اظهار نظرهای مقام‌های آمریکایی گفته بود: «صحت‌هایی گفته می‌شود ضدونقیض است و با هم تطابق ندارد. بعضی صحبت‌ها غیردوستانه، خصمانه و حتی تهدیدآمیز است و ما از آن زیاد تعجب نمی‌کنیم. خیلی هم برای‌مان مهم نیست.» بهرام قاسمی با اشاره به این موضوع که «واقعیت‌ها خودشان را در زمان لازم و مناسب نشان می‌دهند و شرایط را بر دیگران تحمیل می‌کنند» افزوده بود: «منتظریم وضعیت کمی جلوتر برود و یک ارزیابی دقیق‌تر و بهتری از دولت آمریکا داشته باشیم.»

وی بر این نکته تأکید کرده بود که «باز هم باید صبر کرد و خیلی عجولانه صحبت نکرد» و افزود: «منتظر باشیم تا ببینیم در عمل نهایتاً دولت آمریکا چگونه می‌خواهد در مورد مسائل داخلی خودش، اروپا و جهان که یک آشفتگی ایجاد کرده، عمل کند. باید تصور بود و کمتر صحبت کرد و بیشتر تماشا کرد.»

سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی ایران اضافه کرده بود: «ما نیازی به محک زدن آن‌ها نداریم و کار ترامپ از محک زدن گذشته است و شناخت دقیق و عمیقی از طرف مقابل داریم و آنچه که رخ می‌دهد بر اساس برنامه‌ریزی است که انجام شده است.» کمال خرازی، رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، نیز روز سوم آذر در مصاحبه با سایت «جماران» با تأکید بر اینکه «برای اظهارنظر در مورد مواضع ترامپ زود است»، افزوده بود: «ما برای هر تحولی که بخواهد روی دهد آماده هستیم.» با این‌همه، شمار قابل توجهی از مقام‌های سیاسی نظامی ایران در روزهای اخیر حملات لفظی تندیدی برای منافع امریکا هستند، تحمل نخواهد کرد و «روزهای چشم‌پوشی بر اقدامات خصمانه و تهاجمی ایران در قبال امریکا و جامعه بین‌المللی به

اشاره‌ی رهبر جمهوری اسلامی به سخنان آقای ترامپ در روزهای گذشته بوده است. از زمان به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در امریکا، به‌ویژه پس از آنکه ایران روز دهم بهمن دست به آزمایش موشکی بالیستیک زد، جنگ لفظی میان دو طرف تشدید شده است.

آقای ترامپ در این زمینه به دفعات به ایران هشدار داده است که «با آتش بازی نکنند.» رئیس‌جمهور امریکا در آخرین اظهار نظر در مصاحبه با شبکه‌ی خبری «فاکس»، ضمن انتقاد مجدد از توافق اتمی با تهران، گفت که حکومت ایران از آن زمان به بعد «گستاخ‌تر» شده و به ایالات متحده «کاملاً بی‌احترامی» می‌کند.

دونالد ترامپ در این مصاحبه که روز ۱۷ بهمن پخش شد، افزود: «ایران، دولت شماره یک حامی تروریسم است.»

ایالات متحده بارها دولت ایران را متهم به حمایت از تروریسم کرده‌است. این گفته‌ها چه در زمان دولت اوباما و چه اکنون در زمان دولت ترامپ تکرار شده‌اند. ایران، همواره این سخنان را رد کرده و در مقابل کشورهای متحد آمریکا در منطقه، مانند عربستان سعودی را، متهم به حمایت از تروریسم کرده‌است.

آقای ترامپ روز ۱۵ بهمن نیز در توییت دیگری نوشت: ایران «متوجه نیست که رئیس‌جمهور اوباما تا چه حد با آن‌ها مهربان بوده است؛ اما من این‌طور نیستم.»

مایکل پنس، معاون رئیس‌جمهور امریکا، هم در این زمینه به ایران هشدار داده و گفته که بهتر است ایران نگاهی به تقویم بیندازد و دریابد که رئیس‌جمهور جدیدی در کاخ سفید مستقر شده است.

او در گفت‌وگو با شبکه‌ی خبری «ای‌بی‌سی» که پخش شد، تأکید کرد که ایران نباید در جدیت رئیس‌جمهور جدید امریکا تردید کند.

مایکل فلین، مشاور امنیت ملی آقای ترامپ، نیز چند روز پیش در بیانیه‌ای هشدار داد که دولت امریکا دیگر اقدامات تحریک‌آمیز ایران را که تهدیدی برای منافع امریکا هستند، تحمل نخواهد کرد و «روزهای چشم‌پوشی بر اقدامات خصمانه و تهاجمی ایران در قبال امریکا و جامعه بین‌المللی به



PSG به دنبال آگوترو و سانچس

به نظر می‌رسد پاری سن ژرمن قصد دارد در تابستان سال آینده دست به انقلاب بزرگی زده و ستارگان زیادی را جذب کند. پاریسی‌ها برای تقویت خط حمله خود به دنبال نام‌های بزرگ هستند و سرخیو آگوترو و الکسیس سانچس در صدر نام بازیکنانی قرار دارند که این تیم به دنبال جذبشان است.

آگوترو تا سال ۲۰۲۰ با سیتی قرار دارد اما با اضافه شدن گابریل ژسوس و نیمکت نشینی‌های اخیر، از جایگاه خود در ترکیب اصلی مطمئن نیست و آینده او در هاله‌ی ابهام قرار دارد. دیگر هدف پاریس در تابستان، جذب الکسیس سانچس مهاجم شیلیایی و ۲۷ ساله آرسنال است که قرارداد وی در تابستان سال

۲۰۱۸ به پایان می‌رسد و علیرغم شایعات فراوانی که در ماه‌های اخیر در مورد تمدید قرارداد او شنیده شده، هنوز این اتفاق رخ نداده و ممکن است به زودی شاهد جدایی او از جمع توپچی‌ها باشیم.

الکسیس سانچس در حال حاضر با به ثمر رساندن ۱۵ گول و ارسال ۸ پاس گول، موثرترین بازیکن لیگ جزیره لقب گرفته اما ژنال، یوونتوس و اینتر نیز خواهان جذب او هستند و تمدید قرارداد او به موفقیت یا ناکامی آرسنال در فصل جاری بستگی دارد.

با توجه به پیوستن دراکسلر در زمستان به پی اس جی، به نظر می‌رسد این تیم قصد دارد ستارگان زیادی را در آینده‌ی نزدیک جذب کند.

لاکازت: از رد کردن پیشنهاد بارسا پشیمانم

ولی رد کردم. آن موقع دلایل خودم را داشتم. می‌دانستم با وجود MSN به من چندان بازی نخواهد رسید و از طرفی با لیون تا ۲۰۱۹ قرارداد داشتم. حالا کمی پشیمانم و معتقدم فصل بعد باید از لیون جدا شده و به تیمی بزرگتر پیوندم. سال آینده بهترین زمان برای تغییر فضا است. بارسا؟ اگر پیشنهاد دوباره‌ی برسد رویایی خواهد بود. نه اینکه ادعای گرفتن پست سوارز را داشته باشم؛ بازی برای بارسلونا تحت هر شرایطی فوق‌العاده خواهد بود.»

مارسلو: دهان تان را ببندید احمق‌ها!

برای تبریک به نیمار، عکسی از خود کنار ستاره بارسلونا در جشن قهرمانی جام کنفدراسیون‌های سال ۲۰۱۳ منتشر کرد.

این مساله خشم دسته‌ی از هواداران رئال را به دنبال داشت و بعضی با توهین کردن، به سرزنش مارسلو پرداختند. واکنش مدافع چپ برزیلی رئال نیز در نوع خود عجیب بود. او در پاسخ به اعتراضات نوشت: «دهان‌تان را ببندید احمق‌ها!»

راکتیج وفاش کردن

راز ارتباط نزدیک بازیکنان بارسا

ستاره‌های بارسا دوستی نزدیکی با یکدیگر دارند و خارج از زمین مسابقه نیز با یکدیگر در ارتباط هستند. این موضوع به خصوص در روابط بین مثلث MSN به وضوح مشهود است. راکتیج به بیان راز این نزدیکی پرداخت. او گفت: «وقتی در سفر هستیم، همیشه منج بازی می‌کنیم و جُک می‌گوییم و می‌خندیم. په‌په کاستا، مسی، سوارز، ماسکرانو در یک تیم هستند و اینستا، بوسکتس، آلبا و من در یک تیم. در سال آخر گواردیولا این روابط شکل گرفته است. خیلی خوش می‌گذرد و بهتر از این است که هدفون را

در گوشتان بگذارید و خودتان را از دوستان در اتوبوس یا هواپیما دور کنید. اخیراً که به قطر سفر کرده بودیم، حدود ۶ ساعت منج بازی می‌کردیم. می‌دانم که مردم فکر می‌کنند زندگی فوتبالی پر زرق و برق است، پر از مهمانی و... ولی اخیراً سوارز من را به تولد ۳۰ سالگی‌اش دعوت کرد و انگار که یکی از شما خبرنگاران من را دعوت کرده باشید. برایش کادو خریدیم، شام خوردیم، صحبت کردیم، خوش گذراندیم و همین. بیشتر بازیکنان بارسا از جمله مسی، سوارز و من خانواده دوست هستیم و از مهمانی رفتن دوری می‌کنیم.»



اطلاع‌رسانی

چهارشنبه | ۲۰ دلو، ۱۳۹۵
سال ششم | شماره ۱۲۴۲

۷

رئیس باشگاه اتلتیکو: آگوترو به شکل احمقانه‌ی از اتلتیکو جدا شد

درست زمانی که شایعاتی مبنی بر علاقه رئال به جذب سرخیو آگوترو شنیده می‌شود، انریکه سرزو، رئیس باشگاه اتلتیکو کنایه سنگینی به ستاره ارجنتاینی سابق تیمش زد. آگوترو سال ۲۰۰۶ و در حالی که تنها ۱۸ سال سن داشت، از ایندپندیتته ارجنتاین راهی اتلتیکو شد و ۵ فصل برای این تیم بازی کرد. او در اتلتیکو یک لیگ اروپا و یک سوپرکاپ اروپا را فتح کرد و سال ۲۰۱۱ در حالی که از رئال هم پیشنهاد داشت، راهی منچستر سیتی شد.

انریکه سرزو در مورد انتقال او به سیتی گفت: «آگوترو تنها بازیکنی بود که به شکلی احمقانه از اتلتیکو جدا شد. او مثل یک قهرمان به اتلتیکو آمد و مثل یک غریبه از تیم ما جدا شد. در مورد او می‌توانم بگویم که به شکل بسیار بدی راهی سیتی شد.»

سوارز جذب چه بازیکنی را به بارسلونا پیشنهاد کرد؟

لویس سوارز تابستان ۲۰۱۴ به بارسلونا پیوست و چندی پیش نیز قرارداد خود را تا ۲۰۲۱ تمدید کرد.

ستاره اروگوئه‌یی، بهترین گولزن بارسا در فصل گذشته بود و امسال نیز با ۱۶ گول زده به صورت مشترک با مسی در صدر جدول گول‌زنان لالیگا قرار دارد.

طبق ادعای رادیو ۱۰۱۰ که در اسپورت نیز بازتاب داشته، سوارز به مدیر ورزشی بارسلونا برای جذب یکی از پدیده‌های کشور اروگوئه مشاوره داده است. نام این بازیکن نیکولاس دلاکروز است که در تیم زیر ۲۰ ساله‌های اروگوئه بازی می‌کند و در عضویت باشگاه لیورپول اروگوئه نیز قرار دارد.

فیزیک بدنی او شباهت زیادی به مسی دارد و از تکنیک قابل توجهی نیز برخوردار است. طبق ادعای این منبع، بارسلونا با توصیه سوارز به دقت شرایط دلاکروز را زیر نظر دارد. اگر او جذب بارسا شود، سومین اروگوئه‌یی شاغل در بارسا پس از سوارز و سانتیاگو بوئنو خواهد شد.

کور تووا: کلودیو براوو اعتماد به نفس ندارد

تیبو کورتوا، سنگربان جوان چلسی به تمجید از کلودیو براوو پرداخت و به خاطر انتقاداتی که از او می‌شود ابراز تاسف کرد.

در ماه‌های اخیر انتقادات زیادی از براوو، سنگربان شیلیایی سیتی صورت گرفته و بسیاری خرید او به جای جو هارت را اشتباه می‌دانند. در بازی‌های اخیر، گواردیولا از کاپایرو به جای او درون دروازه استفاده کرده است.

کورتوا گفت: «اگرچه توانایی بازی با پا برای هر دروازه‌بانی یک حسن محسوب می‌شود اما در نهایت وظیفه یک دروازه‌بان دست‌های قوی و عکس‌العمل‌های نجات دهنده برای تیمش است.»

ما بازیکنان توانایی در خط دفاعی داریم اما من هرگاه احساس فشار می‌کنم توپ بلندی برای کاستا، هازارد یا دیگر مهاجمان ارسال می‌کنم.

من برای براوو بسیار ناراحتم زیرا او سنگربان شایسته‌ی برای بارسا و تیم ملی شیلی بوده اما حالا زیر بار انتقادات اعتماد به نفس خود را از دست داده است. زمانی که همه حملات حریف تبدیل به گول شود، عملکرد سنگربان زیر ذره‌بین قرار می‌گیرد و فصل گذشته نیز من چنین شرایطی داشتم.»

گزینه سیتی در صورت جدایی احتمالی آگوترو

و از حالا جانشین او را انتخاب کرده‌اند.

طبق ادعای سان، پیر امریک اوبامیانگ، مهاجم گابنی دورتموند بازیکنی است که در صورت جدایی آگوترو، جذب سیتی خواهد شد. او که بارها از علاقه خود برای پیوستن به رئال سخن گفته، با مخالفت زیدان احتمالاً به آرزوی خود نخواهد رسید و به نظر می‌رسد که سیتی می‌تواند مقصد مناسبی برای وی باشد.

آگوترو نیز می‌تواند با رقم ۵۸ میلیون یورو به رئال مادرید بپیوندد؛ باشگاهی که از سال ۲۰۱۱ خواهان جذب وی است.

دلیل اخراج نشدن آرسن ونگر از نگاه شیرر

یک دلیل روی نیمکت این تیم باقی می‌ماند. شیرر در این زمینه گفت: «ونگر با هر نتیجه‌ی در آرسنال باقی خواهد ماند و دلیل خود را هم بیان می‌کنم. ونگر در چند سال حضورش در آرسنال، درآمذزایی زیادی برای سران تیم خود داشته است. او ستاره‌های بزرگی را پرورش داد و آن‌ها را با قیمت‌های نجومی به دیگر باشگاه‌ها فروخت. ونگر هزینه بسیار کمی روی دست سران آرسنال می‌گذارد. او کمتر پیش می‌آید بازیکن بزرگی را جذب کند. کار ونگر در آرسنال خرید بازیکنان با قیمت پایین و فروش آن‌ها با قیمت بالاست و در این کار هم موفق است. بنابراین می‌توانم بگویم که او در آرسنال باقی می‌ماند چراکه کار خود را به خوبی بلد است.»

آماده باش مالک ناپولی به رئال مادرید

در این بین مالک باشگاه ناپولی نیز برای رئال و هوادارانش کری خوانده است. اورلیو دی‌لورنتیس به خبرنگاران گفت: «در لیگ قهرمانان اروپا هر تیمی چانس پیروز شدن دارد و این‌گونه نیست که یک تیم را از پیش باخته بدانیم. انگیزه بسیار زیادی برابر رئال مادرید داریم.

رئال تیم بزرگی است. آن‌ها همه جام‌ها و افتخارات ممکن را به دست آورده‌اند؛ ولی ما می‌خواهیم شگفتی‌ساز شویم. می‌خواهیم با پیروز شدن برابر رئال، یک حماسه خلق کنیم. امیدوارم که با حمایت هواداران‌مان، رئال را شکست بدهیم و به دور بعد راه پیدا کنیم.»

آنتونیو کاسانو:

انتقال به رئال بزرگ‌ترین اشتباه عمرم بود

محسوب می‌شود. در آن مقطع من به هیچ قانونی پایبند نبودم و تنها قصد داشتم به خانه بازگردم.

بعد از جدایی از رئال مادرید این فرصت را داشتم تا در یوونتوس در سری بی مشغول به بازی شوم اما برای دومین بار پیشنهاد این تیم را رد کردم تا دوباره به سمپدوریا ملحق شوم.»

کاسانو تنها ۱۹ بار برای کهکشانی‌ها به میدان رفت و ۲ بار موفق شد با لباس این تیم گول‌زنی کند.

پس از چند بازی نیمکت‌نشینی آگوترو، زمزمه‌های جدایی این ستاره ارجنتاینی از منچستر سیتی به گوش می‌رسد.

با اضافه شدن گابریل ژسوس به سیتی، اوضاع برای آگوترو تغییر یافته و او از مهاجمی ثابت، تبدیل به یک بازیکن نیمکت‌نشین برای گواردیولا شده است. درخشش ژسوس در همین چند بازی اولش برای سیتی نیز مزید بر علت شده تا احتمالاً این وضعیت برای آگوترو ادامه‌دار باشد.

شایعات زیادی در مورد جدایی آگوترو به گوش می‌رسد؛ اما مسئولان سیتی نگران نیستند

آلن شیرر، ستاره پیشین تیم ملی فوتبال انگلیس گفت که سران آرسنال تنها به یک دلیل سرمربی این تیم را اخراج نمی‌کنند.

آرسنال در فصل جاری رقابت‌های لیگ برتر انگلیس هم چانس بسیار کمی برای کسب عنوان قهرمانی دارد.

شکست سنگین توپچی‌ها برابر چلسی باعث شد تا اختلاف این تیم با صدر جدول رده‌بندی به ۱۲ امتیاز افزایش پیدا کند. هواداران آرسنال در چند فصل اخیر از نتایج ناامید کننده تیم خود خسته شدند و خواستار برکناری آرسن ونگر هستند.

با وجود اینکه خبرهای زیادی درباره احتمال پایان دوران سلطنت ونگر در آرسنال به گوش می‌رسد اما اکنون آلن شیرر تاکید دارد سرمربی توپچی‌ها به

در روزهایی که رئال مادرید به دلیل تعویق بازی مقابل سلتا خشمگین است، دی لورنتیس، مالک ناپولی نیز کری خواندن را آغاز کرده است.

۸ روز دیگر رئال مادرید در برنابئو میزبان ناپولی در یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان است. هر دو تیم شرایط خوبی دارند. رئال در لالیگا با وجود دو بازی کمتر از رقبا، صدرنشین است و ناپولی نیز از اکتبر گذشته در ۱۷ بازی متوالی شکست نخورده است (۱۱ برد و ۶ تساوی).

بازی ناپولی برابر جنووا نیز یک روز زودتر (جمعه پیش رو) برگزار خواهد شد تا این تیم با آمادگی بیشتری به مصاف رئال برود.

آنتونیو کاسانو، ستاره سابق و ایتالیایی رئال مادرید انتقال به این تیم را بزرگ‌ترین اشتباه دوران حرفه‌ی خود قلمداد کرد. در سال ۲۰۰۶ کاسانو از رم به مادرید منتقل شد اما بعد از یک سال و گذراندن دورانی نه چندان خوب به سری B و سمپدوریا بازگشت.

کاسانو گفت: «بزرگ‌ترین اشتباه دوران فوتبال من زمانی رقم خورد که یک سال و نیم برای رئال مادرید بازی کردم این یک تاسف و پشیمانی بزرگ برای من



سمینار علمی گرامی داشت هشتاد و ششمین سالگرد وفات



علامه فیض محمد کاتب هزاره

د علامه فیض محمد کاتب هزاره
د شپږ اتیا پیم تلین دنمانځنې علمي سمینار

Seminar to commemorate the eighty sixth anniversary of the death of
Allama Faiz Mohammad Kateb Hazara

کابل- ۲۱ دلو ۱۳۹۵
کابل- د ۱۳۹۵ د سلواغې ۲۱
Kabul- February 9 - 2017



تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

- 1 مسافین محترم آریانا میتوانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- 2 سهولت انتساب سیت برای مسافین محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافین محترم میتوانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- 3 شرکت های سیاحتی میتوانند برای مسافین گروهی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.

انترنیتی کشورهای پاکستان، ایران، ترکمنستان، تاجکستان و ازبکستان وصل شده است. در همین حال وزارت مخابرات در نشست روز سه شنبه همچنان از ایده‌ی تازه برای تبدیل کردن افغانستان به پل ارتباطی انترنیتی کشورهای پیرامونش خیر داده است. احمد شاه سادات، سرپرست این وزارت گفت تا ۵ سال دیگر این کشور یک کشور دیجیتالی پیشرفته از نظر خدمات مخابراتی و فن آوری جدید خواهد شد. او گفت: «ما از راه افغانستان کشورهای آسیای مرکزی را به آسیای جنوبی وصل می‌کنیم و چین را به ترکمنستان، آذربایجان و ترکیه و بالاخره به اروپا وصل می‌کنیم. ما از افغانستان یک بزرگراه دیجیتالی خواهیم ساخت که یک راه ترانزیتی برای خدمات انترنیتی و دیجیتالی باشد.» به گفته وی، به زودی خدمات لاجی انترنیتی نیز در افغانستان قابل دسترس خواهد بود.

کاهش یافته است. این مقام وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی به روز سه شنبه در یک نشست خبری گفت که قیمت ۱MB انترنیتی از مسیر پاکستان از ۱۲۰ دالر به ۹۶ دالر، از مسیر ایران از ۱۸۰ دالر به ۱۴۴ دالر، از مسیر قزاقستان از ۳۳۶ دالر به ۲۶۸ دالر و از مسیرهای دیگر از ۲۵۶ دالر به ۲۰۴ دالر کاهش یافته است. آقای عزیززی گفت آن‌ها امیدوارند با کاهش قیمت انترنیتی، شمار مشترکین این خدمات نیز افزایش یابد. به گفته وی، اکنون مشترکین انترنیتی در کشور به ۴ میلیون نفر می‌رسد و وزارت مخابرات امیدوار است در ۵ سال آینده این رقم به ۱۵ میلیون افزایش یابد. شرکت مخابراتی سلام و افغان تیلی کام از طریق فایبر نوری خدمات انترنیتی ارائه می‌کنند. به نقل از بی بی سی فارسی، شبکه فایبر نوری در حال حاضر در ۲۳ ولایت افغانستان تمدید شده و از طریق آن افغانستان در حال حاضر به شبکه‌های

قیمت انترنیتی شبکه‌های سلام و افغان تیلی کام ۲۰ درصد کاهش یافت



معلوماتی می‌گوید قیمت انترنیتی شبکه‌های مخابراتی دولتی، سلام و افغان تیلی کام، ۲۰ درصد

اطلاعات روز: محمد نجیب عزیززی، رییس اداره تنظیم خدمات مخابراتی وزارت مخابرات و تکنالوژی